

نمایش‌هایی که خانگی نیستند!

○ مانده رجبی

۱ خشونت و قتل

شاید تماشای یک صحنه خشونت‌بار خراشی بر پیکره روح یک بزرگ‌سال وارد نکند، اما مطالعات روانشناسی ثابت کرده‌اند که تماشای خشونت در کودکان و نوجوانان، می‌تواند احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در آن‌ها را بالا ببرد. همچنین تماشای خشونت در کودکان، می‌تواند باعث وحشت‌زدگی، خواب‌های آشفته، شب‌اداری و به طور کلی از بین رفتن احساس امنیت در آن‌ها شود. در نوجوانان هم تماشای خشونت موجب می‌شود دلشان بخواهد آن رفتار را در خانه یا کنار دوستانشان تکرار کنند و مشخص است تکرار بعضی از این رفتارها بدون داشتن مهارت کافی، می‌تواند چه اثرات زیان‌باری به همراه داشته باشد.

۲ سیگار و مواد مخدر

یکی از روانشناسان حوزه یادگیری به نام آلبرت بندورا نظریه‌ای دارد به نام «یادگیری مشاهده‌ای». او در این نظریه می‌گوید که برای یاد گرفتن یک رفتار، لازم نیست حتماً آن را عملاً انجام بدهیم، بلکه با دیدن یک نفر که آن کار را انجام می‌دهد، یادگیری می‌تواند برای ما اتفاق بیفتد.

تماشای استعمال مواد مخدر در فیلم‌ها و سریال‌ها، به جز اینکه موجب عادی‌سازی مصرف آن‌ها می‌شود، یک اثر ضد تربیتی نیز در ذهن کودک و نوجوان به جا می‌گذارد و در مواردی نیز آن‌ها را به مصرف آن مواد ترغیب می‌کند.

۳ فحاشی

مادرها و پدرها همیشه مراقب هستند در محله‌ای سکونت داشته باشند که اهالی با فرهنگ و فرهیخته‌ای داشته باشد یا فرزندان‌شان را در مدرسه‌ای ثبت‌نام کنند که دانش‌آموزانش به خوبی مشهور باشند. نگرانی‌شان از این است که می‌آدا فرزندان‌شان مطالب نامناسبی یاد بگیرند. متأسفانه بسیاری از فیلم‌های شبکه‌های خارجی و برخی از فیلم و سریال‌های نمایش خانگی، سرشار از کلمات رکیک و نامناسب هستند که مثل نقل و نبات برب شخصیت‌ها جاری است و در صورت محتاط نبودن، برب فرزندان ما نیز جاری می‌شود.

درستش این است که آدم وقتی می‌شنود «خانه»، یاد امنیت بیفتد؛ یاد یک چهاردیواری که قرار نیست آنجا آسیبی به کسی برسد؛ چه آسیب جسمی چه آسیب اخلاقی و تربیتی.

اما این روزها گاهی آسیب‌ها خودشان را در خانه بیشتر نشان می‌دهند. غم‌انگیزتر اینکه گاهی منشأ این آسیب‌ها خود والدین هستند که با ناآگاهی‌شان در حوزه استفاده از محصولات رسانه‌ای، زمینه‌ساز بروز این آسیب‌ها می‌شوند؛ چون اطلاعاتی که در حوزه رسانه دارند، به قدر کافی به‌روز نیست.

مثلاً هروقت اسم سریال ترکیه‌ای می‌آید، رنگ و رویمان می‌پرد و همه را از اثرات مخرب آن‌ها آگاه می‌کنیم. حالا سریال‌های تولید شده در وطن نیز به نمایش خانگی مان راه پیدا کرده‌اند و خیالمان راحت است که چون نام کارگردان و بازیگران فیلم، ایرانی است، می‌توانیم با خیال راحت به تماشای آن‌ها بنشینیم. مسئله اینجاست که نه همه فیلم‌های خارجی بد و مضر هستند، نه همه فیلم‌های ایرانی خوب و سازنده!

یا از آنجا که در ذهنمان «انیمیشن» چیزی مخصوص بچه‌هاست، فکر می‌کنیم هر محصولی که در قالب انیمیشن ساخته شده، می‌تواند انتخاب مناسبی برای تماشای کودکانمان باشد. خوب است بدانیم که بسیاری از پویانمایی‌های تولید شده در دنیا، فقط و فقط برای مخاطب بزرگ‌سال است. مهم این است که یک چهارچوب مشخص داشته باشیم، تمام فیلم‌ها را پیش از اکران خانگی در آن چهارچوب تحلیل کنیم و درباره تماشای کردنشان با خانواده تصمیم بگیریم. فرقی ندارد کشور سازنده آنچه تماشا می‌کنیم، کجا باشد، پویانمایی باشد یا فیلم و سریال؛ مهم بررسی عناصری است که بودنشان در فیلم، تماشای آن را برای کودک و نوجوان نامناسب می‌کند.

بعضی از عناصری که توجه و بررسی آن‌ها پیش از تماشای فیلم ضروری است:



**در این اوضاع نا به سامان چطور
بفهمیم کدام فیلم مناسب است؟**

۱. در مورد انیمیشن‌ها و فیلم‌های خارجی، حتماً نسخه‌ی بازبینی شده‌ی فیلم را تهیه کنیم.
۲. قبل از تماشای فیلم، با یک نفر که فیلم را دیده است صحبت کنیم و درباره‌ی معیارهای بالا از او سؤال کنیم.
۳. اسم فیلم را جستجو کرده و نقد آن را از چند سایت مختلف بخوانیم.
۴. نظرات کاربران در سایت‌ها و اپلیکیشن‌های نمایش فیلم را بررسی کنیم.
۵. به رده‌بندی سنی فیلم که در کنار توضیحات آن نوشته شده، توجه کنیم.
۶. سایت‌هایی مثل «کامان سنس مدیا» که مؤلفه‌های منفی موجود در هر فیلم را به تفکیک بررسی کرده‌اند، ببینید و براساس فرهنگ و ارزش‌های خودتان تشخیص بدهید که تماشای این فیلم یا انیمیشن برای دل‌بندتان مناسب است یا نه. متأسفانه نسخه‌ی داخلی این سایت فعلاً در ایران وجود ندارد، اما با اندک تسلطی به زبان انگلیسی، می‌توانید متوجه مرورها و نقدهایی که توسط والدین برای هر فیلم نوشته شده است، بشوید. به امید روزی که نسخه‌ی داخلی بررسی فیلم، بازی و دیگر محصولات رسانه‌ای را در سایت‌های فرهنگی کشورمان ببینیم.

۴. تجمل‌گرایی

با دیدن یک الی دو قسمت از بسیاری از سریال‌های موجود در نمایش خانگی، می‌توان فهمید قشری که در آن‌ها به تصویر کشیده شده‌اند، از نظر اقتصادی با نود درصد جامعه متفاوت هستند. خانه‌هایی شبیه قصر، مهمانی‌هایی پر از اسراف، ماشین‌های میلیاردی، جواهرات سنگین و لباس‌های عجیب و غریب!

سؤال اینجاست که نمایش این حجم از تجمل چه ضرورتی دارد؟ آیا در شرایط نامناسب اقتصادی کشور، این نمایش درست است؟ آیا روحیه‌ی تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی را در جامعه رواج نمی‌دهد و بذرنارضایتی از زندگی را در دل‌ها نمی‌کارد؟